



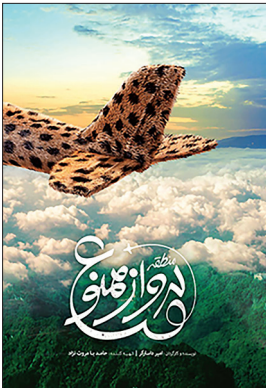
مخفیگاه آقای شیک پوش و تیمش می رود یا جایی که برای مسابقه هواپیمای بدون سرنشین برای بچه‌ها لباس یک شکل می دوزد و بچه‌ها با همین لباس عملیات کشف مدرک علیه آقای شیک پوش را انجام می دهند.

نکاتی که مغفول ماند

در فیلم منطقه پرواز ممنوع همه سهم موفقیت و پیشرفت برای پسران طراحی شده به گونه ای که در زمان اکران، برخی آن را فیلمی پسرانه برمی شمردند و از تماشای آن امتناع می کردند.

یک تیتراژ، کل پیام

تجربه دعوت از مخاطبان برای



اسرائیل می بینیم که قطعه سنگی را به سوی مرز پرتاب می کند و می گوید: «رسیدیم بالای سرشون، با سنگ هم می تونیم بنزیمشون.» و اضافه می کند که تا چند وقت دیگر اون تیکه پارچه - اشاره به پرچم - را هم پایین می کشیم. از نکات جالب در مواجهه آقا مصطفی با نوجوانان، جدیت اوست؛ آنجا که قرار است از کوه بالا بروند تا شاهد پرتاب موشک باشند، محمدمهدی به پدرش می گوید تا جواب سؤالم را ندهید بالا نمی آیم و او در پاسخ قفل فرمان ماشین را به او می دهد و می گوید پس این کنارت باشه اینجا گرگ زیاد است چون تا وقتی ما برگردیم شب شده است. از این دست دیالوگ‌ها در فیلم دیده می شود که از پسرها می خواهد مرد باشند و بزرگ شوند.

منطقه پرواز ممنوع و سینمای پیشرفت

مؤلفه های سینمای پیشرفت چیست؟ کدام فیلم می تواند ادعا کند که پیشرفت را به تصویر کشیده است؟ روایت تلاش و کوشش برای پیشرفت در حوزه فردی و اجتماعی و سیاسی علی رغم مشکلات را شاید بتوان تعبیری نه چندان کامل از سینمای پیشرفت دانست که می کوشد نمونه های فردی و اجتماعی پیشرفت را روایت کند و به نوعی با بیان مسیر پیشرفت به تشویق جامعه و تبیین رشد انسان بپردازد. با این توضیح، فیلم سینمایی منطقه پرواز ممنوع می تواند در گونه سینما - پیشرفت بگنجد؟

این اثر سینمایی که قصه آن با محوریت نوجوانان پیش می رود، می گوید نوجوانان دیروز مثل نسل حامد، امروز موشک ماهواره بر به فضا می فرستند، نسل قبل از آنها یعنی آقا مصطفی به دغدغه های جهانی و حذف اسرائیل - که در تیتراژ فیلم با عنوان «لکه ها از نقشه جغرافیا» از آن یاد می شود - کمر همت بسته اند و نفوذی ها و دشمنان به اصطلاح کف خیابان را به نوجوانان سپرده اند.

در این اثر سینمایی نصیر به عنوان یک پسر افغانستانی در کنار محمدمهدی و روح الله، داستان را جلو می برد. منطقه پرواز ممنوع برای زنانی که در مکتب آقا مصطفی تربیت شده اند هم نقش جدی تعریف کرده است آنجا که مادر محمدمهدی همراه با او به شناسایی

”

آقا مصطفی می گوید کارگری ما مزد ندارد و او در ازای مزد آن ها را بالای کوهی می برد و آن ها شاهد پرواز موشک ماهواره بر هستند. موشکی که حامد، مربی بچه ها ۵ سال برای فرستادن آن به فضا کوشیده و حالا پیش چشم بچه ها به فضا پرتاب می شود